نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران

با وجود ولایت و رهبری الهی سختی‌ها را به عامل حرکت تبدیل کنیم

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی گفت: امروز گفتمان سیدحسن نصرالله مستحکم‌تر شده و در جهان گسترش پیدا کرده است و سید مقاومت، گفتمان اسلام را زنده کرده و نتایج آن امروز مشهود است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی، ۳۰مهر در آیین تکریم و معارفه رئیس دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه استان قم که در این ستاد برگزار شد، اظهار کرد: یکی از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن و مجاهد و برگزیده شدن توسط خدا، عدم هراس در طوفان حوادث روزگار است و از حرکت و تعالی فردی باز نمی‌ایستند.

نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیان کرد: یکی از برجستگی‌های مؤمنان این است که شادی آنها را مغرور نمی‌کند و شکست‌ها آنها را متوقف نمی‌سازد و همواره بر حوادث سوار هستند و از حوادث و تغییر و تحول روزگار برای رشد و تعالی و تقرب خود به خدا استفاده می‌کنند، تا جایی که سخت‌ترین مصیبت‌ها را می‌بینند و می‌گویند که جز زیبایی ندیدیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی عنوان کرد: در طول این ۴۵ سال یاد گرفتیم، انقلاب که تولد جدید اسلام ناب است، فراز و نشیب دارد، اما توقف ندارد.

نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اذعان کرد: انقلاب اسلامی، به گذشته، حال و آینده تقسیم می‌شود و این انقلاب، یک عقبه الهی، ولایی، مردمی، دشمن و مصیبت دارد؛ ولی از مسیر خود خارج نمی‌شود و ما نیز بایستی سعی کنیم تا از این ریل خروج پیدا نکنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی ابراز کرد: قم مرکز انقلاب اسلامی و طلوع خورشید است و ما باید مراقب باشیم تا از موج انقلاب جا نمانیم؛ چراکه خداوند دین و انقلاب را یاری می‌کند.

وی یادآور شد: جمهوری اسلامی امروز به‌برکت انقلاب اسلامی و احیاگری امامین انقلاب، سنگرهای کلیدی جهان را یکی پس از دیگری فتح می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی، با بیان اینکه روزهای روشن و موفقیت‌ها را پیش رو داریم، گفت: امروز شعار استکبارستیزی، انقلاب و بیداری جهانی در عالم گسترش پیدا کرده است و آنچه استکبار را عصبانی می‌کند و از آن هراس دارد، احیا و توسعه گفتمان اسلام و انقلاب در جهان است.

نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اظهار کرد: باید مراقب امواج انقلاب و نقش هدایت‌گری و مرکز بودن و الگو بودن قم باشیم و از آنها باز نمانیم و این حوادث را به‌عنوان فرصت مغتنم بشماریم.

وی با تصریح بر اینکه ولایت، تجلی الهی و ربوبی است، گفت: با وجود ولایت و رهبری الهی، سختی‌ها را باید از حالت مصیبت بودن به‌تعبیر رهبری به عامل حرکت تبدیل کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی ابراز کرد: امروز گفتمان سیدحسن نصرالله حفظه‌الله مستحکم‌تر شده و در جهان گسترش پیدا کرده است و سید مقاومت، گفتمان اسلام را زنده کرده و نتایج آن امروز مشهود است.

گزارش: داوود مظاهری

زمان بازپذیری حوزه‌های علمیه خواهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، اعلام شد

سرپرست اداره کل تحصیلات تکمیلی حوزه‌های علمیه خواهران گفت: فرآیند بازپذیری حوزه‌های علمیه خواهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، از دهم آبان‌ماه جاری، همزمان در سراسر کشور آغاز خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، خانم آزاده صدر شیرازی با بیان اینکه فرآیند بازپذیری حوزه‌های علمیه خواهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، از دهم آبان‌ماه جاری، همزمان در سراسر کشور آغاز خواهد شد، اظهار کرد: طلابی که دارای سابقه تحصیل ناتمام در حوزه‌های علمیه مصوب بوده و به علل غیرانضباطی از ادامه تحصیل باز مانده‌اند و یا دارای دانشنامه سطح یک هستند، می‌توانند جهت تکمیل پرونده تحصیلی خود، در بازپذیری شرکت کنند.

سرپرست اداره کل تحصیلات تکمیلی حوزه‌های علمیه خواهران مطرح کرد: سنجش داوطلبان تمامی مقاطع، از طریق مصاحبه علمی و استعلام از مراجع ذی صلاح، انجام می‌شود.

وی در پایان افزود: داوطلبان قبل از نام‌نویسی با مطالعه دقیق دفترچه راهنمای بازپذیری، از حائز شرایط بودن خود برای نام‌نویسی، اطمینان حاصل کنند.

شایان ذکر است، داوطلبان مقطع عمومی می‌توانند از طریق نشانی اینترنتی register.whc.ir/register و یا مراجعه حضوری به مدارس علمیه، نام‌نویسی کنند و داوطلبان مقاطع تکمیلی، به پرتال طلبه، گزینه درخواست‌ها و قسمت درخواست بازپذیری مراجعه کنند.

از نجف تا قم
خاطرات زندگی طلبگی و مهاجرت آیت‌الله حسینی حائری

آیت‌الله سید علی‌اکبر حسینی حائری در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در نجف‌اشرف و در خانواده‌ای معروف به زهد و تقوا متولد شد. پدر وی، مرحوم آیت‌الله سیدعلی حسینی حائری در سال ۱۳۹۸ قمری به دیار حق شتافت. برادر بزرگش، حضرت آیت‌الله سیدکاظم حائری، از مراجع تقلید در عراق و از شاگردان بنام شهید سیدمحمد باقر صدر رحمه‌الله به‌شمار می‌رود.

متن زیر، گفت‌وگوی صمیمی حوزه‌نیوز با آیت‌الله سید علی‌اکبر حسینی حائری است که تقدیم می‌شود.

از چه زمانی مباحث حوزوی را شروع کردید؟

• بعد از اینکه روخوانی قرآن را تمام کردم، پدرم برای من و برادرهایم تدریس دروس حوزوی را آغاز کرد. از جمله کتاب جامع‌المقدمات، صرف میر و امثله.

غیر از ابوی و اخوی، چه کسانی در زندگی علمی و طلبگی شما نقش داشتند؟

• در کنار پدر و برادرانم، اساتید دیگری نیز در زندگی علمی و طلبگی‌ام تأثیرگذار بودند. یکی از آنها مرحوم سیدنورالدین اشکوری بود که بنده بخشی از کتاب سیوطی مربوط به شرح الفیه ابن‌عقیل را نزد ایشان تلمذ کردم. همچنین، بخشی از دروس فقهی را که طلبه‌ها در آن زمان می‌خواندند، نزد آیت‌الله سیدعبدالهادی شاهرودی خواندم.

از دروس خارج شهید آیت‌الله صدر هم بیشتر استفاده کرده‌اید، درسته؟

• بله، من در درس خارج شهید صدر حاضر شدم. در آن زمان برادر بزرگم در عراق بود و ما یک‌سال با هم در درس خارج شهید صدر شرکت کردیم. همه چهار برادر در آن دوره در درس ایشان شرکت داشتیم.

خدا را شکر که در درس خارج شهید صدر شرکت کردم. بنده ابتدا در علم اصول و سپس در درس فقه ایشان حضور داشتم. هنوز مکاسب را تمام نکرده بودم که برادر بزرگم به ایران رفت و من چهار سال دیگر حضورم را در نجف ادامه دادم.

از شخصیت و شیوه تدریس شهید صدر برای مخاطبین بفرمایید.

• مرحوم شهید صدر نه‌تنها برای ما یک استاد بودند؛ بلکه مانند یک پدر و مربی دلسوز عمل می‌کردند.

ایشان همواره در تلاش بودند که ما را از لحاظ علمی، معنوی و روحی تربیت کنند و به ما کمک کنند تا در دریای علم غوطه‌ور شویم.

خاطره‌ای از شهید صدر برای ما بیان کنید.

• خاطرات زیادی از ایشان دارم؛ اما یکی از آنها برایم بسیار خاص و مهم است.

یک شب قدر در ماه مبارک رمضان، دیروقت در حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ایشان را دیدم که مشغول راز و نیاز بودند. شخصیت و عظمت شهید صدر و همزمانی آن با حرم مطهر و ایام مبارک شب قدر باعث شد که حالت عجیبی به من دست دهد و در دل آرزو کنم که بتوانم، از ایشان سؤال کنم که «ما هو افضل الاعمال فی لیلة القدر؛ بهترین اعمال در شب قدر چیست؟».

ایشان در حال عبادت بودند و من نمی‌خواستم مزاحمتی ایجاد کنم؛ بنابراین تصمیم گرفتم صبر کنم تا عبادتشان تمام شود. زمانی که ایشان از حرم خارج شدند، با فاصله به ایشان پیوستم؛ اما به‌خاطر ابهت و شخصیت ایشان جرأت نزدیک شدن نداشتم.

فاصله منزل ایشان با محل درس نزدیک بود و در نهایت تصمیم گرفتم، خود را به خدمتشان برسانم. دستشان را بوسیدم و گفتم که سؤالی دارم و دعا کردم که خداوند توفیق دهد تا بتوانم، سؤال خود را از شما بپرسم.

ایشان با خوش‌رویی مرا به خانه‌شان دعوت کردند و این برای من بسیار ارزشمند بود.

وارد منزلی شدیم که در آن اتاق، مقبره مرحوم مامقانی بود. مجدداً دستشان را بوسیدم و سؤال کردم: «ما هو افضل الاعمال فی لیلة القدر»؟

ایشان مدتی به فکر رفتند و سپس فرمودند: آنچه که به ذهنم می‌رسد، این است که بهترین عمل در شب قدر معین نیست؛ بلکه برای هر کس می‌تواند یک عمل معین متفاوت باشد. برای یکی، خواندن قرآن بهترین عمل است و برای دیگری، خواندن نافله‌ها یا دعاهای خاص. بنابراین، هر فرد باید افضل‌الاعمال را متناسب با شرایط و روحیات خود جستجو کند.

دوره‌ای که در نجف تشریف داشتید، در منزل به زبان عربی صحبت می‌کردید یا به زبان فارسی؟

• بله، ما در خانه به زبان فارسی صحبت می‌کردیم. پدرم شیرازی بود؛ اگرچه خودش در کربلا به دنیا آمده بود؛ اما پدرش از شیراز هجرت کرده و به عتبات مقدسه رفته بود. مادرم هم در نجف متولد شده بود؛ اما پدرش متولد نیشابور بود. بنابراین، به‌دلیل ریشه ایرانی پدر و مادرم، زبان مادری ما فارسی بود.

با شروع به تحصیل در حوزه و تعامل با دوستان و اساتید عرب‌زبان، کم‌کم به فرهنگ زبان عربی منتقل شدیم و عربی صحبت کردیم.

این روند باعث شد که زبان عربی‌ام به مرور زمان تقویت شود. حالا می‌توانم بگویم که شاید زبان عربی‌ام قوی‌تر از زبان فارسی‌ام است.

با توجه به اینکه غالب عمر شریفتان را در نجف زندگی کرده‌اید، تعلق خاطرتان به عراق بیشتر است یا به ایران؟

• نمی‌توان به‌راحتی یکی را ترجیح داد؛ اما به‌دلیل اینکه عراق بیشتر به زبان عربی است و من هم تمایل بیشتری به تدریس عربی دارم، زندگی در عراق از این نظر برایم خوشایندتر است. در عین حال، در بیست و چندسال زندگی در ایران نیز به زبان عربی و فارسی تدریس کرده‌ام و هر دو زبان را گرامی می‌دارم.

چه زمانی ازدواج کردید؟ در زمان ازدواج، والدین شما در قید حیات بودند؟

• من در حدود ۲۰ یا ۲۱سالگی و تازه بعد از ورود به درس خارج ازدواج کردم. والدینم در قید حیات بودند. پدرم در نجف فوت کرد و در مقبره مرحوم شیخ شوشتری در ابتدای رواق جدید صحن حضرت زهرا علیهاالسلام مدفون شده است. مادرم نیز در ایران فوت کردند و در قبرستان روبه‌روی گلزار شهدای قم، باغ بهشت مدفون هستند.

شما بعد از انتفاضه نجف در سال ۱۳۵۸ زندانی شده و مجبور به مهاجرت به ایران شدید. خاطراتی را از آن زمان برای ما بفرمایید.

• پس از دستگیری شهید صدر، شورش مردمی در نجف و سایر استان‌های عراق شکل گرفت. شهید صدر تنها یک روز دستگیر شد و به‌ناچار حکومت صدام او را آزاد کرد و در ادامه به حصر خانگی فرستاد.

در آن روز بنده و سیدصدرالدین قبانچی که اکنون امام جمعه نجف است، به خانه مرحوم سیدعبدالعزیز حکیم رفتیم تا در مورد مقابله با این وضعیت مشورت کنیم.

تصمیم گرفتیم که شورش مردمی و تظاهراتی راه بیندازیم. ابتدا برنامه‌ریزی کردیم که از خانه شهید صدر شروع کنیم؛ اما متوجه شدیم که این کار ممکن است با شکست مواجه شود؛ زیرا آن خانه تحت محاصره بود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که ساعت ۱۰ صبح از حرم مطهر امام علی علیه‌السلام تظاهرات را آغاز کنیم.

علامت شروع این تظاهرات این بود که دعای فرج را با هم بخوانیم و در انتهای دعا به‌نام مولا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به یکباره از جا بلند شویم و حرکت کنیم.

این تصمیم را در آن جلسه گرفتیم و سیدعبدالعزیز در خانه ماند؛ درحالی‌که من و سیدصدرالدین این طرح را به مدارس حوزه علمیه نجف و بازارهایی که می‌شناختیم، ابلاغ کردیم و این طرح به‌طور کامل اجرا شد.

طبق قرارمان، بنده ساعت ۱۰ صبح در حرم مطهر بودم؛ اما متوجه شدم که سیدصدرالدین قبانچی نیست و بعد فهمیدم که او را دستگیر کرده و به‌شدت کتک زده‌اند و دست و پایش در زندان شکسته شده بود. قبل از اینکه من به زندان بروم، او را دستگیر کرده بودند.

بنده به تنهایی دعای فرج را بالای سر حضرت خواندم و چند نفر در اطرافم نشسته بودند. در انتهای دعا به‌نام صاحب الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بلند شدیم و شعارهایی مانند: «بسم الله خمینی و صدر الاسلام دام ینتصر» و دیگر شعارهای انقلابی سر دادیم.

با شروع شعارها، از ترس اینکه درهای حرم را به روی ما ببندند و ما را دستگیر کنند، تصمیم گرفتیم هرچه زودتر از حرم خارج شویم. به رواق دور حرم رفتیم و به‌تدریج تعدادمان بیشتر شد. سپس به صحن مطهر وارد شدیم و از آنجا به خیابان‌های اطراف حرم حرکت کردیم و شعارهای انقلابی را با قدرت اجرا کردیم.

پس از آن به سمت شارع الصادق رفتیم و در اینجا نیروهای امنیتی سعی کردند، ما را متفرق کنند. آنها به میان جمعیت آمدند و نزدیک بود زیر دست و پای مردم بمانند و نتوانستند، ما را متفرق کنند. نیروهای حکومتی و بعثی در انتهای شارع الصادق جلوی‌مان را گرفتند و متوجه شدیم که نمی‌توانیم جلوتر برویم.

شارع الصادق و بازار بزرگ نجف، موازی هم هستند و کوچه‌های باریکی بین آنها وجود دارد. ما از یکی از این کوچه‌ها به بازار بزرگ نجف وارد شدیم و هر کسی هر چیزی که از چوب و چماق پیدا می‌کرد، به دست می‌گرفت تا برای درگیری با نیروهای بعثی آماده شویم.

در بازار بزرگ صدای تیراندازی شنیدیم و متوجه شدیم که نیروهای بعثی از انتهای بازار به سمت ما تیراندازی می‌کنند و مانع رفتن ما به سمت صحن مطهر شدند و به‌ناچار دوباره از یک کوچه به سمت شارع الصادق برگشتیم.

نیروهای امنیتی با ماشین‌های مسلح ایستاده بودند و برخی از تظاهرکنندگان را دستگیر کردند و برخی دیگر فرار کردند و در این میان، بنده نیز دستگیر شدم.

به نظر شما، آیا اتفاقات انتفاضه نجف تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بود؟

• بله، اما بیشتر بهانه‌اش زندانی شدن شهید صدر بود. یکی از افرادی که همراه ایشان بود، تعریف می‌کرد که ابتدا با خشونت با شهید صدر صحبت می‌کردند و بعد از مدتی متوجه شدند که یکی از اطرافیان‌شان چیزی به محافظان گفت و از آن پس با شهید صدر به آرامی برخورد کردند؛ زیرا ترسیده بودند که انقلابی به وجود بیاید. ایشان را محترمانه به نجف برگرداندند؛ اما از آن روز به بعد، ایشان خانه‌نشین شدند.

چند ماه در زندان رژیم بعث بودید؟

• این واقعه به هفدهم ماه رجب آن سال مربوط می‌شود. ابتدا ما را به زندان نجف بردند و همان شب، ما را به بغداد منتقل کردند.

به هر حال، از هفدهم رجب تا ماه رمضان آن سال، ما را به زندان دیگری منتقل کردند. در ابتدا، زندان ما یک گاراژ بزرگ (الامن‌العام) بود که قبلاً محل نگهداری ماشین‌های بزرگ بود و آنجا پر از زندانی شده بود. ما در آنجا متوجه شدیم که نه‌تنها در نجف؛ بلکه در اکثر استان‌های عراق تظاهرات در حال برپایی است.

هرچند آن زندان خیلی بزرگ بود؛ اما فضای آن بسیار تنگ بود. سپس برای ماه رمضان ما را به زندان «فضیلیه» منتقل کردند.

ما تا پایان ماه مبارک رمضان که مصادف با چهار روز تعطیلی عید فطر شد، در آنجا بودیم. به نظر می‌رسید که در ایام عید فطر، عادتشان این است که چهار روز ادارات را تعطیل می‌کنند و در آنجا قرار شد که ما را به ایران بفرستند.

یعنی عفو عمومی شامل شما شد؟

• اواخر ماه رمضان، صدام به قدرت رسید و قبل از او احمد حسن البکر رئیس‌جمهور بود که او نیز بعثی بود؛ اما صدام معاون رئیس‌جمهور بود. این ایام مصادف با چهار روز تعطیلی عید فطر بود و ما را در سالن تسفیری‌ها قرار دادند. بعد از گذشت چهار روز، ما را از یک زندان به زندان دیگر و از شهری به شهر دیگر منتقل کردند تا سرانجام به مرز ایران رسیدیم.

وقتی وارد مرز ایران شدم و عکس امام خمینی قدس‌سره را به بزرگی روی دیوارها دیدم، احساس کردم که انگار دنیا را به من داده‌اند.

وقتی به مرز ایران رسیدید، مستقیم به قم آمدید؟

• ما به مرز قصرشیرین رسیدیم و یکی از علمای قصر شیرین که نامشان یادم رفته، در آنجا از ما پذیرایی کرد و بعد ما را به کرمانشاه فرستاد و پس از آن به خانه یک شیخ رفتیم.

ایرانی‌هایی که با هم در آن زندان گرفتار شده بودیم، ظاهراً ۹ نفر بودیم و همان‌طور که عرض کردم، سه پسر سید محمدجمال هاشمی گلپایگانی، شیخ روحانی و سیدعلی اشکوری با هم بودیم.

همچنین آیت‌الله میرزا جواد تبریزی قدس‌سره، دامادی به نام شیخ مهدی باعثی داشتند و این شیخ مهدی باعثی، برادری به‌نام جعفر داشت که با هم جزو نفرات دستگیرشده در آن زندان‌ها بودیم.

با همین گروه از کرمانشاه به قم برگشتید؟

• بله، از طرف برادرم آیت‌الله سیدکاظم حسینی حائری در کرمانشاه به سراغ ما آمدند و ما را به قم بردند.

شما پس از حضور در قم، ۲۳سال در قم ماندید و دوباره به نجف برگشتید، درست است؟

• بله، ما حدود ۲۳ یا ۲۴سال در قم زندگی کردیم. البته یک‌سال را در مشهد و یک سال را در دزفول حضور داشتم؛ اما بیشتر در قم مشغول تدریس سطوح عالی بودم.

در حال حاضر در نجف مشغول چه کارهایی هستید؟

• در حال حاضر در نجف مشغول تدریس فقه و اصول هستم. البته حدود دو سال پیش، به‌شدت به کرونا مبتلا شدم و به‌نوعی معجزه‌وار از آن رهایی یافتم. بعد از آن، قدرت تدریس دو درس را نداشتم و وضعیت سلامتیم چندان مساعد نبود. به‌همین خاطر تنها یک درس تدریس می‌کردم. دفتری هم در نجف داریم که نسبت به دفتر قبلی‌مان، هم به حرم نزدیک‌تر و هم بزرگ‌تر است.

علت کناره‌گیری اخوی بزرگتان، آیت‌الله سیدکاظم حائری از مرجعیت چه بود؟

• ایشان از نظر سلامتی احساس کرد که در وضعیتی نیست که بتواند، احکام شرعی را استنباط کند و به‌درستی احکام را استخراج نماید؛ لذا وظیفه شرعی خود دانست که به مردم اعلام کند، دیگر نمی‌تواند احکام شرعی را استنباط کند و از آنها خواست که از دیگران تقلید کنند و به‌همین منظور، دفترهای پاسخگویی به مسائل شرعی را تعطیل کرد.

در پایان اگر نکته‌ای دارید، بفرمایید.

• طلبه‌ها باید به جنبه علمی بیشتر توجه کنند. بنده از کم‌توجهی به جنبه‌های علمی بسیار می‌ترسم. به طلبه‌ها سفارش می‌کنم که بیشتر به گرایش علمی توجه داشته و این گرایش را فدای مسائل دیگر نکنند.

امتیازات تمام‌خوانی محدوده‌های دروس مهم حوزه علمیه قم اعلام شد

امتیازات تمام‌خوانی محدوده‌های دروس مکاسب و فرائدالاصول، حدیث‌خوانی، دروس فقه معاصر و دروس تمهیدی، الفائق فی‌الاصول و الشخص الاعتباری در سال تحصیلی ۱۴۰۴- ۱۴۰۳ اعلام شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، معاونت آموزش حوزه علمیه قم، امتیازات تمام‌خوانی محدوده‌های دروس مکاسب و فرائدالاصول، حدیث‌خوانی، دروس فقه معاصر و دروس تمهیدی، الفائق فی‌الاصول و الشخص الاعتباری در سال تحصیلی ۱۴۰۴- ۱۴۰۳ را اعلام کرد.

دو نکته مهم:

۱. امتیازات تشویقی موضوع این جدول برای سال‌ها و نیمسال‌های تحصیلی دیگر، قابل ذخیره نمی‌باشد.

۲. در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ دروس امتیازی الفائق فی‌الأصول، الشخص الاعتباری و دروس تمهیدی فقه معاصر، جایگزین درس خارج نیست و حداکثر ٤ نمره به‌ازای هر یک نمره بالاتر از نمره قبولی در امتحان دروس مذکور، نیم نمره به نمره مصاحبه خارج، طبق جدول فوق اضافه خواهد شد.

کتاب «عرفان در آثار علامه حسن‌زاده آملی» روانه بازار نشر شد

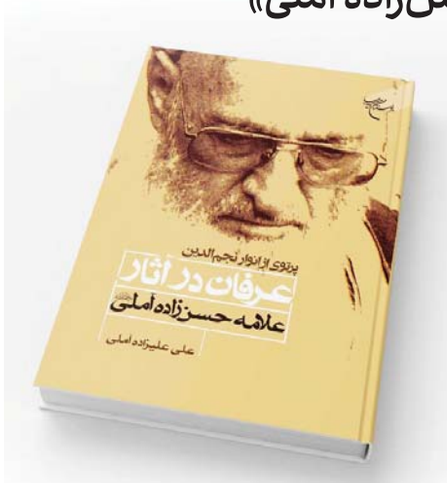

کتاب «پرتوی از انوار نجم‌الدین: عرفان در آثار علامه حسن‌زاده آملی»، اثر علی علیزاده آملی منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، کتاب «پرتوی از انوار نجم‌الدین: عرفان در آثار علامه حسن‌زاده آملی»، اثر علی علیزاده آملی در ۵۰۴ صفحه به‌همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ رسید.

در این کتاب، هم مفاهیم نظری عرفان مطرح شده است و هم دستورالعمل‌های عملی؛ از این‌رو اگر مخاطب به هر دلیلی نمی‌خواهد وارد مباحث نظری شود، می‌تواند به خواندن دستورالعمل‌ها بسنده کند؛ یعنی بخش دوم را بخواند که شامل «آداب سیر و سلوک» و «حجاب‌ها و موانع سیر و سلوک» است.